

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال پنجم شماره ۱۲۶

۱۰ تیر ۱۳۹۹ / ۳۰ ژوئن ۲۰۲۰



حقوق زنان

بخشنامه قانون جرم سیاسی

حجاب اجباری حقوق زنان

حجاب اجباری مذهب

تظاهرات

آزادی مذهب
حقوق زنان

دادخواهی

آزادی بی تظاهرات

دادخواهی

آزادی بیان
جرم سیاسی
جرم سیاسی

حجاب اجباری

تظاهرات آزادی مذهب
حجاب اجباری

تظاهرات آزادی مذهب

دادخواهی

دادخواهی

آزادی بیان
آزادی بیان

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: رضا حاجی حسینی، بهنام دارایی زاده، سهیلا رحیمی، جواد عباسی توللی، احسان حسین زاده

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

بخشنامه‌ای تزئینی برای قانونی تزئینی



بخشنامه ابراهیم رئیسی، ژستی برای فریب
مجامع بین‌المللی



محمد مقیمی: بخشنامه رئیسی برای اجرای
قانون جرم سیاسی، پروپاگانداست



پنج نکته درباره جرایم و اتهام‌های سیاسی در ایران



بیراهه قانون جرم سیاسی در ایران



بخشنامه‌ای تزئینی برای قانونی تزئینی



احسان حسین‌زاده

چهار دهه بعد از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، چهار سال پیش «قانون جرم سیاسی»^۱ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد تا شاید تخفیف‌هایی را برای مخالفان سیاسی جمهوری اسلامی در نظر گیرد. قابل توجه اینکه بعد از گذشت چهار سال، حتی یک متهم سیاسی بر اساس این قانون محاکمه نشده است.

کار به جایی رسید که ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه، در خرداد ماه امسال بخشنامه «لزوم اجرای عدالت و رسیدگی منصفانه به اتهامات مرتکبان جرایم سیاسی»^۲ را برای جدی‌گرفتن اجرای این قانون در دادگاه‌ها و دادسراها ابلاغ کرد!

جرم سیاسی در حقوق مدرن

از منظر حقوقی جرم سیاسی به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که ماهیت رژیم سیاسی و یا منافع حاکمیت را به خطر می‌اندازد. از این منظر، حاکمیت برای تداوم قدرت و اعمال نظم در بستر اجتماع حقوقی دارد و باید مورد حمایت قرار گیرد. جرم‌های سیاسی فعالیت‌هایی هستند که جنبه تخریبی در حکومت‌ورزی دارند و عملکرد حاکمیت و یا نظم سیاسی موجود را تضعیف و یا در مسیر آن ایجاد اختلال می‌کنند.^۳

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/968421>
2. <http://media.dotic.ir/uploads/org/159144627857940200.pdf>
3. <https://definitions.uslegal.com/p/political-crime/>

مشروع سیاسی از جانب قدرت حاکم جرم‌انگاری می‌شود و در نهایت اصول دموکراتیک، مشروعیت قدرت و حقوق بنیادین بشر مورد سوءاستفاده چنین قوانینی قرار می‌گیرند.

جرم سیاسی یا امنیتی؟

همانطور که اشاره شد اغلب کشورهای جهان جرایمی را به عنوان جرایم سیاسی در کتاب قانون خود دارند. این جرایم عموماً جرایمی هستند که عموم مردم آنها را قابل سرزنش و تنبیه می‌دانند و توجیه عقلانی، اخلاقی و حقوقی در جرم‌انگاری آنها وجود دارد. برای مثال، جاسوسی در تمام جوامع مذموم است، همینطور فساد مقامات سیاسی و یا مهمتر از آنها اخلال در برگزاری صحیح انتخابات، تمام این موارد از جمله جرایم سیاسی محسوب می‌شوند.

اما آنچه در نظام حقوقی-قضایی جمهوری اسلامی تحت عنوان جرم سیاسی وجود دارد بسیار متفاوت با مفهوم علمی و جهان‌شمول آن است. قانون مجازات اسلامی بسیاری از فعالیت‌های قانونی و مشروع شهروندان را ذیل جرایم امنیتی - نه سیاسی - جرم‌انگاری کرده است. برای مثال انتقاد از مقامات سیاسی از جمله رهبر جمهوری اسلامی ذیل عنوان مجرمانه توهین به رهبری جرم‌انگاری شده است.

استفاده مشروع فعالان مدنی از حق مشروع برگزاری تجمع و راهپیمایی‌ها، ذیل عنوان مجرمانه اقدام علیه امنیت ملی جرم‌انگاری شده و بدتر از تمام این موارد انتقاد فعالان سیاسی و یا مقالات روزنامه‌نگاران تحت عنوان تشویش اذهان عمومی یا اقدام علیه امنیت ملی، جرمی امنیتی تلقی می‌شود.

نظام حقوقی-قضایی جمهوری اسلامی بسیاری از فعالیت‌های مشروع سیاسی-مدنی شهروندان را در زمره جرایم امنیتی- تروریستی به شدیدترین شکل ممکن مورد تعقیب و مجازات قرار می‌دهد. این رویه‌ایدر طول چهار سال حکمرانی جمهوری اسلامی مشروعیت حکومت را بشدت زیر سوال برده است و همینطور انتقاد محافل بین‌المللی و همینطور حقوق بشری را برانگیخته است.

رویه‌ای که بارها در گزارش‌های عفو بین‌الملل^۴، دیدبان حقوق بشر^۵ و همینطور شورای حقوق بشر سازمان ملل و گزارشگر ویژه سازمان ملل^۶ محکوم شده است. به همین دلیل مقامات

3. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/11/2019/world-must-condemn-appalling-deterioration-of-human-rights-in-iran/>

4. <https://www.hrw.org/world-report/2020/country-chapters/iran>

5. https://www.ohchr.org/Documents/Countries/IR/Report_of_the_Special_Rapporteur_on_the_situation_of_human_rights_in_the_Islamic_Republic_of_IranA4361.pdf

شاید یکی از بارزترین انواع جرم سیاسی که اکنون نیز در بسیاری از کشورهای جهان همچنان جرم تلقی می‌شود، جاسوسی باشد که دقیقاً ویژگی تخریبی مذکور بر فعالیت‌های حکومت مشروع را دارد.

شاید بتوان سه ویژگی بارز را برای جرم‌های سیاسی ذکر کرد. اول، قدرت مسلط سیاسی فارغ از اینکه طی یک رویه دموکراتیک مستقر شده است یا در نتیجه کودتا و روندی غیر مشروع بوده باشد، تلاش دارد تا هر نوع فعالیت‌های را که مشروعیتش را زیر سوال می‌برد جرم‌انگاری کند.

دوم، مجازاتی که برای این نوع جرم‌انگاری‌ها پیش‌بینی می‌شود بیشتر از اینکه جنبه تنبیهی بعد از وقوع جرم داشته باشد، حالت پیشگیرانه و به تبع سخت و شدید دارد.^۱ هرچند شاید به دلیل کمبود دلایل نتوان عناصر مادی و معنوی جرم را محقق شده یافت، اما در هر حال حکومت‌ها تمایل دارند که حتی برنامه‌ریزی یا سخن گفتن از هر برنامه یا فعالیت‌هایی علیه نظام سیاسی موجود را عملی مجرمانه تلقی کنند.

عناصر سوم و شاید مهمترین آنها اینکه در این نوع از جرایم، انگیزه مجرم نه وجود نفع یا ارضای منافع یا احساسات شخصی، بلکه انگیزه‌ای مصلحانه و به قصد اصلاح امور کشور و در جهت منافع جمعی صورت می‌گیرد.^۲ دقیقاً همین مسئله تفکیک این نوع جرایم را از جرایم عادی دشوارتر می‌کند؛ چرا که مقام قضائی باید به دنبال کشف انگیزه مجرم باشد.

بنابراین با توجه به مشخصات جرم سیاسی می‌توان به این حقیقت اشاره کرد که جرم سیاسی در نظام حقوقی اغلب کشورهای جهان وجود دارد چراکه نظام‌های سیاسی نیازمند وضع قوانینی برای حفاظت از مشروعیت سیاسی و قدرت خود هستند.

اما یک تفاوت عمده بین کشورهای دموکراتیک با کشورهای غیردموکراتیک وجود دارد: الزامات حقوق بشری، علی‌الخصوص اصل آزادی بیان در کشورهای دموکراتیک، دامنه جرم سیاسی را بسیار محدودتر و شفاف‌تر کرده است. در حالی که دامنه این گونه جرایم در کشورهای غیردموکراتیک بسیار وسیع، مبهم و عموماً ناقض حقوق انسانی متهم است. این دامنه تا جایی وسعت می‌یابد که مقاله انتقادی یک روزنامه‌نگار، جرم تعبیر شده و مورد واکنش شدید دستگاه قضایی آن کشور قرار می‌گیرد.

بنابراین در کشورهای غیردموکراتیک بسیاری از فعالیت‌های

1. <https://repository.law.umich.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=3883&context=mlr>

2. <http://dijlp.org/wp-content/uploads/09/2011/Volume-2-Number-1-Chapter-2-Political-Crimes-A-Historical-Perspective.pdf>



قضایی جمهوری اسلامی برای کاستن از فشارهای داخلی و بین‌المللی به فکر جرم‌زدایی از فعالیت‌های مشروع سیاسی افتاده‌اند؛ هرچند که در عزم آن‌ها تردید جدی وجود دارد.

بخشنامه لزوم اجرای عدالت و رسیدگی منصفانه به اتهامات مرتکبان جرایم سیاسی

در نگاه اول می‌توان اینگونه قلمداد کرد که هدف از تقنین چنین قانونی تسهیل فعالیت‌های سیاسی و جرم‌زدایی از اینگونه فعالیت‌ها بوده است. اما با نگاهی موشکافانه تر خلاف این مساله ثابت می‌شود چراکه بعد از گذشت چهار سال از وضع قانون جرم سیاسی و بر اساس اظهارات^۱ سخنگوی قوه قضاییه حتی به اتهامات یک نفر از مجرمان بر اساس این قانون رسیدگی نشده است. آیا حتی یک مجرم سیاسی در جمهوری اسلامی وجود ندارد؟!

رویه دادگستری جمهوری اسلامی همچنان اصرار بر اتخاذ رویکرد امنیتی-تروریستی در رسیدگی به اتهامات فعالان سیاسی-مدنی و با مرجعیت قانون مجازات اسلامی است. عدم اجرای قانون جرم سیاسی توسط سیستم قضایی و موج انتقادات، رییس قوه قضاییه را بر آن داشت تا در سیزدهم خرداد ماه سال جاری طی بخشنامه‌ای قضات زیر نظر خود را به جدی گرفتن قانون جرم سیاسی توصیه کند اما مسائل جدی در این بخشنامه وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد:

عدم شفافیت قانون و ترجیح نظر شخصی قضات بر قانون

بر اساس بند دوم این بخشنامه تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است! مساله‌ای که عملاً مانع از اجرای قانون جرم سیاسی شده و خواهد شد. جرم سیاسی باید توسط قانون تعریف شود نه دادگاه. بخشنامه‌ای که رییس قوه قضاییه صادر کرده است، تشخیص سیاسی بودن جرم را بر عهده دادگاه گذاشته است. مساله مهم دیگری که وجود دارد اینکه فعالیت‌های مشخصی از جمله فعالیت‌های سیاسی علیه نظام دو بار جرم‌انگاری شده است. یک بار توسط قانون مجازات اسلامی و ذیل بخش جرایم امنیتی و یک بار هم توسط قانون جرم سیاسی و ذیل عنوان جرایم سیاسی!

حال که قانونگذار اشتباه کرده و به صورت کاملاً مبهم یک فعل را دوبار جرم‌انگاری کرده، رییس قوه قضاییه به جای

1. <https://www.radiofarda.com/a/iran-political-prisoners/30028858.html>

درخواست اصلاح قانون از مجلس، طی بخشنامه‌ای به قضات خود این اختیار را می‌دهد که تشخیص دهند کدام اتهامات ذیل کدام قانون قرار گیرد! امری که اولاً خلاف اصول حقوقی است و دوماً علیه منافع متهم است؛ چرا که دست قاضی را در انتخاب سرنوشت متهم در دامنه وسیعی از مجازات‌ها باز می‌گذارد. لذا بزرگ‌ترین ایراد این بخشنامه امکان تفسیر شخصی قانون است.

نقش نهادهای امنیتی و ساختار دادگاه انقلاب

ذیل بند دوم این بخشنامه اشاره شده است که دادگاه‌های انقلاب می‌توانند در صورت تشخیص سیاسی بودن اتهام توسط رییس دادگاه، پرونده را با قرار عدم صلاحیت به دادگاه صالح ارجاع دهد.

در ارتباط با این بند چند مسئله مهم مطرح می‌شود. اولاً اینکه قضات دادگاه‌های انقلاب از بین اشخاصی انتخاب می‌شوند که دیدگاه امنیتی دارند و عموماً تحت نفوذ دستگاه‌های امنیتی هستند. بنابراین آنها استقلال رأیی که قاضی باید داشته باشد

را ندارند. البته این مساله تنها در مورد قضات دادگاه‌های انقلاب مطرح نیست و حتی قضات ایستاده دادسراها نیز وقتی صحبت از یک اتهام امنیتی به میان می‌آید، بشدت تحت نفوذ و تاثیر دستگاه اطلاعاتی و مهمترین آنها اطلاعات سپاه هستند. بنابراین با توجه به ساختار دادگاه انقلاب و همینطور نفوذ نهادهای امنیتی در دادسراها و دادگاه‌ها، تفویض اختیار تشخیص سیاسی بودن یا امنیتی بودن یک اتهام به قضات قوه قضاییه، سناریویی از پیش تعیین شده است و اصطلاحاً آخر داستان از ابتدا مشخص است. بنابراین با در نظر گرفتن ساختار فعلی قوه قضاییه، نمی‌توان امید چندانی به اجرای قانون جرم سیاسی داشت.

بحران مشروعیت و قوانین تزئینی

جمهوری اسلامی از منظر حقوق اساسی با بحران مشروعیت قدرت مواجه است.^۱ امری که در تظاهرات‌های مختلف در

1. <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/19/11/2019/iranian-protesters-strike-at-the-heart-of-the-regimes-revolutionary-legitimacy/>

داخل، تحریم انتخابات توسط مردم، نقض حقوق بشر و اعترافات اجباری، سانسور و دستگیری اهالی قلم و همینطور تحریم‌های بین‌المللی و انزوای جهانی نمود پیدا کرده است. در این شرایط، قوه قضاییه که یکی از چهار رکن اصلی حاکمیت نظام بشمار می‌رود، وظیفه برخورد تنبیهی و اعمال مجازات برای حفظ مشروعیت سیاسی نظام را بر عهده دارد. امری که هرچند از منظر علمی و عملی مردود است اما همچنان توسط جمهوری اسلامی پی گرفته می‌شود. در چنین شرایطی که دستگاه قضایی با نگاهی امنیتی حتی به مسائل اقتصادی یا فرهنگی سعی در گسترش اقتدار سخت حاکمیت دارد، سپردن تشخیص ضابطه جرم سیاسی به چنین دستگاهی امری اشتباه است. مدعی این استدلال سخنان ابراهیم رییس رییس دستگاه قضا در گفت و گوی تلویزیونی با صدواسیمای جمهوری اسلامی^۲ است که در آن به وضوح اشاره کرد حرف زدن علیه مسئولان جرم نیست اما حرف زدن علیه نظام جرم است. او همچنین با مثال زدن اعتراضات کارگری اشاره کرد «ما اجازه برهم زدن فضای اجتماعی را نمی‌دهیم». بنابراین با لحاظ کردن صحبت‌های رییس دستگاه قضا می‌توان اینگونه استنباط کرد که موضع قوه قضاییه در برخورد با فعالیت‌های مدنی-سیاسی در ایران همان شیوه سابق است.

با در نظر گرفتن بخشنامه اخیر، رویه چهار ساله قوه قضاییه جمهوری اسلامی در برخورد خشن و غیرانسانی و جرم‌انگاری فعالیت‌های مدنی و سیاسی و همینطور مصاحبه اخیر ابراهیم رییس با تلویزیون رسمی جمهوری اسلامی، و مهم‌تر از همه آنها محکومیت‌های روزانه فعالان سیاسی و مدنی به زندان‌های طویل‌المدت و نیز حکم اعدام سه جوان معترض که اخیراً تایید شد^۳؛ به این نتیجه می‌رسیم که قانون جرم سیاسی و بخشنامه اخیر آن همچنان جزو مقررات تزئینی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی است.

عملکرد اصلی چنین مقرراتی تنها برای کاستن فشار سیاسی از روی دوش جمهوری اسلامی در مجامع بین‌المللی نظیر جلسات گزارش‌های دوره‌ای شورای حقوق بشر سازمان ملل^۴ است که پرونده نقض حقوق بشر ایران همواره در آن باز است. گمان می‌کنم که متأسفانه به‌رغم تصویب چنین بخشنامه‌هایی، حقوق اساسی فعالان عرصه سیاست همچنان در جمهوری اسلامی نقض خواهد شد.

2. <https://www.mizanonline.com/fa/news/631308>

3. <https://iranhr.net/fa/articles/4317/>

4. <https://www.ohchr.org/EN/HRBodies/UPR/Pages/IRindex.aspx>

بخشنامه ابراهیم رئیسی، ژستی برای فریب مجامع بین‌المللی



جواد عباسی توللی

ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضاییه، ۱۷ خرداد ماه ۹۹ بخشنامه‌ای را با موضوع «لزوم اجرای عدالت و رسیدگی منصفانه به اتهامات مرتکبان جرایم سیاسی» به قضات سراسر کشور ابلاغ کرد.

شیرین عبادی، حقوقدان و برنده جایزه صلح نوبل، ابلاغ این بخشنامه از سوی رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی را «یک ژست سیاسی» برای فریب نهادهای بین‌المللی و مجامع حقوق بشری می‌داند.

رئیس‌ی در این بخشنامه از مراجع قضایی سراسر کشور خواسته است تا دادگاه رسیدگی به جرایم سیاسی با «حضور هیأت منصفه» و «به صورت علنی» برگزار شود. صدور این بخشنامه از سوی رئیس قوه قضاییه در حالی‌ست که مقامات قضایی تا پیش از آن به دلایل مختلف از جمله عدم وجود تعریف دقیق از «جرم سیاسی» در قوانین کیفری ایران، از برگزاری دادگاه متهمان سیاسی با حضور هیأت منصفه و به صورت علنی طفره رفته‌اند.

قانون «جرم سیاسی» اما از اردیبهشت ۱۳۹۵ و در راستای اجرای اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسیده است.

در اصل ۱۶۸ قانون اساسی آمده است: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.» بررسی روند رسیدگی به پرونده متهمان سیاسی در سال‌های گذشته در ایران نشان می‌دهد که حتی با وجود تصویب این قانون، قضات دادگاه با تعبیر جرایم سیاسی به «جرایم امنیتی»، بسیاری از متهمان را از دسترسی به روند دادرسی عادلانه محروم کرده‌اند.

در بند دوم از بخشنامه ابراهیم رئیسی هم آمده است: «تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است. دادسرا یا دادگاه مربوط در تشخیص سیاسی بودن اتهام، باید ماهیت جرم، انگیزه و

قصدمتهم از ارتکاب جرم را مد نظر قرار دهد.» رئیسی در ادامه همین بند از بخشنامه خود به قضات دادگاه دستور داده که در مورد پرونده‌های مطروحه در دادگاه کیفری دو و انقلاب، هرگاه دادگاه رسیدگی کننده با بررسی کیفرخواست و مستندات و مطالعه پرونده، جرم ارتكابی را از جرایم مندرج در ماده دو قانون جرم سیاسی تشخیص دهد، پرونده را با قرار عدم صلاحیت به دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم و اگر مرتکب از مقامات مذکور در ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری باشد، به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال می‌کند: «در مرحله تجدیدنظر، چنانچه دادگاه جرم ارتكابی از ناحیه متهم را سیاسی تشخیص دهد، لکن دادگاه بدوی آن را غیرسیاسی تشخیص داده باشد، برای رعایت تشریفات قانونی با نقض حکم صادره، پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌کند.»

با در نظر گرفتن موارد بالا، چند پرسش را درباره چرایی ابلاغ این بخشنامه و تأثیر آن بر روند رسیدگی به پرونده

متهمان سیاسی با شیرین عبادی، حقوقدان، فعال حقوق بشر و قاضی سابق دادگاه در ایران مطرح کرده‌ایم.

حقوق ما: به نظر شما ابلاغ این بخشنامه از سوی ابراهیم رئیسی تا چه میزان می‌تواند به دسترسی متهمان سیاسی به دادرسی عادلانه در ایران کمک کند؟ آیا می‌توان این اقدام را به عنوان گامی در جهت اصلاح بخشی از ساختار قوه قضاییه در ایران در نظر گرفت؟

شیرین عبادی: به‌زعم من با صدور این بخشنامه، اقدام جدی برای اجرای عدالت و بهبود وضعیت زندانیان یا متهمان سیاسی صورت نگرفته است، چرا که این قانون معایب متعددی از جمله «تعریف مبهم و نادرست از زندانی سیاسی» دارد. اساساً چون پرونده تابع کیفرخواست است و ادعایی که راجع به آن می‌شود این است که تمام افرادی که باید در دادگاه‌های سیاسی محاکمه بشوند، در دادگاه‌های انقلاب محاکمه می‌شوند، بنابراین نکته مثبتی



در گذشته شاهد عملکرد چند نفر از قضات بوده‌ایم که حاضر نشدند از شرافت حرفه‌ای خود چشم‌پوشی کنند و بلافاصله برکنار شدند. در مقابل قضاتی که قرار است در دادگاه‌های انقلاب به دعاوی سیاسی رسیدگی کنند، از چندین صافی حفاظتی و امنیتی رد می‌شوند تا سر سپردگی‌شان به حکومت کاملاً احراز شود. طبیعی است که در مقابل این سر سپردگی به مزایای آن هم خواهند رسید. به همین دلیل است که ما در لیست اتحادیه اروپا که افراد ناقض حقوق بشر را مشمول تحریم قرار داده، اسامی بسیاری از قضات دادگاه انقلاب همچون محمد مقیسه را می‌بینیم. چرا؟ برای اینکه این قضات استقلال خود را در مقابل وزارت اطلاعات حفظ نکرده‌اند.

یکی از خبرسازترین دادگاه‌هایی که در ماه‌های اخیر و بیش و کم هم‌زمان با صدور بخشنامه رئیس قوه قضاییه برگزار شد، جلسات محاکمه روح‌الله زم در دادگاه انقلاب تهران بود. به نظر شما چرا این بخشنامه دست‌کم در آخرین جلسه محاکمه روح‌الله زم در روز ۲۰ خرداد ماه به‌اجرا درنیامد؟

ابتدا باید پرسید کاری که روح‌الله زم کرده در حقیقت چه بوده است؟ اگر بررسی کنیم می‌بینیم که یک خبرنگار، مقداری اطلاعات درست و مقداری اطلاعات غلط منتشر کرده. این اطلاعات غلط آیا به عنوان اقدام علیه امنیت باید تلقی شود؟ آیا می‌توان این اقدامات زم را به عنوان «محاربه با خدا» قلمداد کرد؟ خیر. حداکثر اتفاقی که در پرونده زم افتاده این است که در اثر اطلاعات غلطی که از سوی او منتشر شده، زبانی متوجه کسی شده باشد. به‌عنوان مثال ممکن است تهمت به کسی زده شده باشد. در اینجا زیان‌دیده باید شکایت کند. منظورم این نیست که منتشر کردن هر اطلاعات غلطی، کار درستی است اما آیا انتشار اطلاعات غلط بدون اینکه شاکه خصوصی در بین باشد، مجازاتش اعدام است؟

صدور حکم اعدام علیه روح‌الله زم، صرف‌نظر از مشکلات عدیده‌ای که دارد، اساساً این مسأله را عیان می‌کند که دیدگاه قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران نسبت به جرایم سیاسی چگونه است و تا چه اندازه در مقابل پذیرش آن مقاومت می‌کند.



هستند؟

اختیارات قاضی فی‌نفسه بسیار زیاد است. در کشوری که قوه قضاییه مستقلی داشته باشد، قاضی چه در مقام دادستان و چه در مقام ریاست دادگاه که تعیین مجازات می‌کند، اختیارات زیادی دارد. اما در کشوری مثل ایران که قاضی در برابر مأموران امنیتی استقلال ندارد، در حقیقت طرح این سوال که چقدر می‌تواند اختیارات داشته باشد کمی مبهم است.

متأسفانه پرونده‌های مربوط به متهمان سیاسی و امنیتی در ایران به وسیله مأموران امنیتی در وزارت اطلاعات یا اطلاعات سپاه ساخته و تهیه می‌شود. هیچ‌کدام از این متهمان سیاسی که اکنون در زندان هستند، مدعی خصوصی ندارند. اینها همه مدعی‌شان وزارت اطلاعات است. حتی اگر شخصی توسط مأموران اطلاعات سپاه بازداشت شود، باز هم در دادگاه نماینده وزارت اطلاعات به عنوان نماینده رسمی حکومت در مقابل متهم حاضر می‌شود و گزارش را به رئیس دادگاه می‌دهد. بنابراین قاضی حق سرپیچی ندارد.

حقوقی می‌گیرد و می‌گوید که دادگاه‌های ما مستقل هستند. او می‌گوید من نماینده قوه مجریه هستم و مسئول پاسخگویی نیستم. در حالی که همه ما می‌دانیم دادگاه‌هایی که مسئول رسیدگی به جرایم سیاسی هستند، دست‌نشانده و مأمور وزارت اطلاعات بوده و به شعبه‌ای از وزارت اطلاعات تبدیل شده‌اند و استقلال دادگاه‌ها در ایران یک ادعای عجیب و خنده‌دار است. کدام دادگاه مستقل؟

اگر مقامات قضایی ایران وجود زندانیان سیاسی را پذیرفته‌اند، یک بار به جامعه بین‌المللی بگویند که چه کسی را طبق این قانون محاکمه می‌کنند؟ بنابراین همان‌طور که گفتم این قانون صرف‌نظر از معایب بسیار زیادی که از نظر تعریف جرم سیاسی و ابهامات آن دارد، اساساً روی کاغذ و در حد یک ژست بین‌المللی باقی خواهد ماند.

قضات دادگاه‌ها تا چه میزان برای تغییر عناوین اتهامی از سیاسی به امنیتی دارای اختیارات

در ابلاغ و اجرای این قانون برای مردم و برای برقراری عدالت وجود ندارد.

این بخشنامه برای مسئولان جمهوری اسلامی صرفاً ژست مناسبی خواهد بود تا با استناد به آن، در مجامع بین‌المللی اعلام کنند طبق قانونی که دارند، جرایم سیاسی را با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌کنند و این را جزو پیشرفت‌های قوه قضاییه ایران جا بزنند. این فقط ژستی است برای فریب نهادهای بین‌المللی و مجامع حقوق بشری.

در سال‌های گذشته، برخی از مقامات ارشد قضایی ایران، وجود زندانی سیاسی در ایران را انکار می‌کردند. غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضاییه، حدود یک‌سال پیش و در اوایل تیر ماه ۱۳۹۸ در یک برنامه زنده تلویزیونی از شبکه افق، در برابر دوربین صریحاً اعلام کرد «ما زندانی سیاسی نداریم و کسانی که در زندان هستند، کسانی‌اند که اقدام علیه امنیت ملی انجام داده‌اند.» پیش از او صادق آملی‌لاریجانی، رئیس سابق قوه قضاییه هم در اواسط بهمن ماه ۱۳۹۷ در جلسه مسئولان عالی قضایی گفت محکومی با عنوان زندانی سیاسی در ایران نداریم.

به نظر شما آیا می‌توان صدور بخشنامه ابراهیم رئیسی مبنی بر برگزاری دادگاه رسیدگی به جرایم سیاسی با «حضور هیأت منصفه» و «به صورت علنی» را به عنوان پذیرش وجود «زندانی سیاسی» از سوی قوه قضاییه تلقی کرد؟ آیا صدور این بخشنامه می‌تواند به عنوان یک عقب‌نشینی از سوی قوه قضاییه قلمداد شود؟

این خوشبینی است که بگوییم رئیس قوه قضاییه و دیگر مقامات مسئول، اتهامات سیاسی را پذیرفته‌اند. کدام مقام مسئول آمده و اعلام کرده که در ایران زندانی سیاسی داریم؟ مقامات قضایی همواره تمام متهمان سیاسی را به عنوان «زندانی امنیتی» معرفی می‌کنند.

وقتی که محمدجواد ظریف در مقام وزیر امور خارجه و به عنوان نماینده ایران در خارج از کشور درباره زندانیان سیاسی و عقیدتی مورد سوال قرار می‌گیرد، ژست

محمد مقیمی: بخشنامه رئیسی برای اجرای قانون جرم سیاسی، پروپاگانداست



رضا حاجی‌حسینی

چهار سال پیش، مرداد ماه سال ۹۵، خبر آمد که اولین دادگاه رسیدگی به جرایم سیاسی در ایران برگزار می‌شود. این خبر را محمود علیزاده طباطبایی، وکیل عیسی سحرخیز، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی اعلام کرد.

او گفت رسیدگی به پرونده عیسی سحرخیز به اتهام توهین به صادق آملی لاریجانی، رئیس [وقت] قوه قضاییه، اولین دادگاه جرایم سیاسی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران خواهد بود که با حضور هیأت منصفه برگزار خواهد شد. به گفته علیزاده طباطبایی، در مورد این اتهام وقتی به قاضی پرونده گفته‌اند که این اتهام جرم سیاسی است، او ابتدا اطلاعی در این مورد نداشته اما وقتی به قانون مراجعه کرده، این موضوع را پذیرفته است.

اما آیا دادگاه عیسی سحرخیز در مورد این اتهام با حضور هیأت منصفه و به عنوان رسیدگی به جرم سیاسی برگزار شد؟

پاسخ خیر است!

با وجود اصرار علیزاده طباطبایی بر اینکه اتهام موکلش «مصدق جرم سیاسی» بوده و بر اساس قانون جدید

عده دادگاه است و وابسته بودن دادگاه‌ها به مراکز و محافل امنیتی باعث شده است اتهام‌های سیاسی متهمان به عنوان «اتهامات امنیتی» در نظر گرفته شوند.

جرم سیاسی، چالش قدیمی جمهوری اسلامی
جرم سیاسی بحثی کهن و چالشی قدیمی در جمهوری اسلامی است. مجلس خبرگان قانون اساسی در بحث و بررسی درباره جرم سیاسی و ضرورت حضور هیأت منصفه در جریان دادرسی، اصل ۱۶۸ را تصویب کرد. تصویب این اصل و گنجانده شدنش در قانون اساسی جمهوری اسلامی، محصول تلاش گرایش‌های آزادی‌خواهانه آن روزها در مجلس خبرگان بود که نگران بودند حقوق فعالان سیاسی از سوی قدرت حاکم نادیده گرفته شود. این اصل اما با وجود گذشت بیش از ۴۰ سال از استقرار جمهوری اسلامی تا به حال عملی و اجرایی نشده است. این در حالی است که مجلس کلیات طرح جرم سیاسی را در تاریخ ۲۹ دی ۹۴ با موافقت ۱۲۰ نماینده تصویب و

چنانچه اشاره شد، شورای نگهبان هم آن را تأیید کرد. اما حدود دو سال پیش، بیش از ۳۰ نماینده مجلس ایران از جمله محمود صادقی از وزیر دادگستری پرسیدند چرا دادرسی و دادگاه‌ها قانون جرم سیاسی را اجرا نمی‌کنند. یکی از پاسخ‌های محتمل این است که قضات زیر بار اجرای این قانون نمی‌روند. شنبه ۱۷ خرداد ماه ۹۹ اما خبر ابلاغ بخشنامه تازه ابراهیم رئیسی درباره جرایم سیاسی منتشر شد. موضوع این بخشنامه لزوم اجرای عدالت و رسیدگی منصفانه به اتهامات مرتکبان جرایم سیاسی است. رئیسی در این بخشنامه از مراجع قضایی سراسر کشور خواسته تا دادگاه رسیدگی به جرایم سیاسی با «حضور هیأت منصفه و به صورت علنی» برگزار شود. تشخیص سیاسی بودن اتهام اما همچنان با دادرسی یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است. پرسش این است که آیا این بخشنامه رئیس قوه قضاییه باعث اجرای قانون جرم سیاسی خواهد شد؟



حقوق متهم را بر اساس ماده ششم قانون جرم سیاسی، در کلیه مراحل دادرسی و اجرای حکم رعایت کنند. ماده ششم از قانون جرم سیاسی می‌گوید اصل تفکیک جرایم، ممنوعیت بازداشت و حبس به صورت انفرادی، حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول در طول مدت حبس، ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان در طول دوران بازداشت و حبس و حق دسترسی به کتب، نشریات، رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس باید در مورد متهمان سیاسی اجرا شود.

پس از ابلاغ قانون جرم سیاسی اما یک وکیل دادگستری از ایران بدون ذکر نام به رادیو زمانه گفت قضات زیر بار اجرای این قانون نمی‌روند: «صبح روز اول اجرایی شدن قانون جرم سیاسی، جلسه دادگاهی داشتم که به گمانم اولین رسیدگی قضایی در دوران حکومت این قانون بود؛ به قاضی محترم یادآوری کردم از امروز مقتضای تبعیت از حکومت قانون، توجه به مرجع رسیدگی و آیین برگزاری جلسه با حضور هیأت منصفه ذیل ماده چهار این قانون است. قاضی محترم که قانون را ندیده بودند، فرمودند بیایید با هم بخوانیم ببینیم چگونه باید فرایند جلسه را پیش برد. خط اول را که خواندند قانون را بستند و گفتند به همان مبنای قانون سابق ادامه می‌دهم. متحیر شدم و پرسیدم چه شد؟! ماده یک را نشانم داد و گفت چیزی دست شما را نمی‌گیرد که محاجه کنید و تفسیر من همان است که گفتم.»

در ماده یک قانون جرم سیاسی آمده است: «هر یک از جرایم مصرح در ماده دو این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد، جرم سیاسی محسوب می‌شود.»

قضات در چنین مواردی معمولاً از عمل متهم برداشت اصلاح امور نمی‌کنند و قصد ضربه زدن به اصل نظام را مبنای قضاوت و تصمیم‌گیری قرار می‌دهند.

آیا بخشنامه ۱۷ خرداد ماه رئیس قوه قضاییه این مشکل را حل خواهد کرد؟

بر اساس شواهد و قرائن موجود، بعید است چنین اتفاقی بیفتد.



عادلانه به هیچ وجه در خصوص ایشان رعایت نمی‌شود.» مصداق این گفته‌های محمد مقیمی، اظهارنظرهای مسئولان قضایی جمهوری اسلامی است. غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضاییه، ۱۰ تیر ماه ۹۸ با حضور در یک برنامه تلویزیونی در شبکه افق در برابر دوربین گفت: «ما واقعا زندانی سیاسی نداریم.» صادق آملی لاریجانی، رئیس پیشین قوه قضاییه هم که اینک رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام است، در تاریخ ۱۵ بهمن ۹۷ در جلسه مسئولان عالی قضایی به صراحت گفت: «ما محکومی با عنوان زندانی سیاسی نداریم. اگر کسی اقدامی علیه امنیت مرتکب شده است، عنوان مجرمانه مستقلی دارد که باید به آن رسیدگی شود.»

بر اساس بخشنامه رئیس فعلی قوه قضاییه اما دادرسی و دادگاه‌ها موظف شده‌اند در اتهام‌ها و جرایم سیاسی،

محمد مقیمی، وکیل دادگستری و مدافع حقوق بشر در پاسخ به این سوال به «حقوق ما» می‌گوید بخشنامه مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۷ رئیس قوه قضاییه در خصوص جرم سیاسی دارای ایرادات اساسی است.

مقیمی پیش از هر چیز بر این نکته تأکید می‌کند که قانون جرم سیاسی معلول یک نگاه سنتی است و در جهان امروز که دموکراسی و چرخ مسالمت‌آمیز قدرت مطلوب است، جرم سیاسی محلی از اعراب ندارد چون نقد قدرت و اعتراض به دولتمردان جزئی از حقوق اساسی شهروندان است.

او در ادامه می‌گوید: «اما به طور کلی این بخشنامه دارای جنبه اداری است و نمی‌تواند موجب حق و تکلیف باشد و در دادگاه‌ها نمی‌تواند مورد استناد قرار بگیرد. وانگهی، فلسفه صدور بخشنامه، تعلیم و یکنواخت کردن موارد اداری است نه وضع قانون. اگر نه قوه قضاییه وارد حیطه قانونگذاری می‌شود که مغایر اصل تفکیک قواست.»

رؤیای دادرسی عادلانه در ایران

پیش از توجه ویژه به قانون جرم سیاسی و اجرا نشدن آن در قوه قضاییه ایران اما توجه به این مسأله ضروری است که اساساً دادرسی عادلانه در دستگاه قضایی جمهوری اسلامی روندی کمیاب و چه بسا نایاب است.

محمد مقیمی در همین زمینه به حقوق ما می‌گوید: «دادگاه‌های انقلاب ابتدایی‌ترین اصول دادرسی عادلانه مانند حق برخورداری از وکیل انتخابی را رعایت نمی‌کنند. بنابراین شایسته است رئیس قوه قضاییه نخست به فکر اجرای این حق اولیه متهمان باشد.»

او تضمین دادرسی عادلانه را در گرو دادگستری مستقل می‌داند و تأکید می‌کند که اساساً در جمهوری اسلامی قوه قضاییه، دادگاه‌ها و تبع آن قضات، استقلال ندارند.

مقیمی بر این اساس نتیجه می‌گیرد که بخشنامه رئیس قوه قضاییه در مورد قانون جرم سیاسی هم «جنبه پروپاگاندا» دارد.

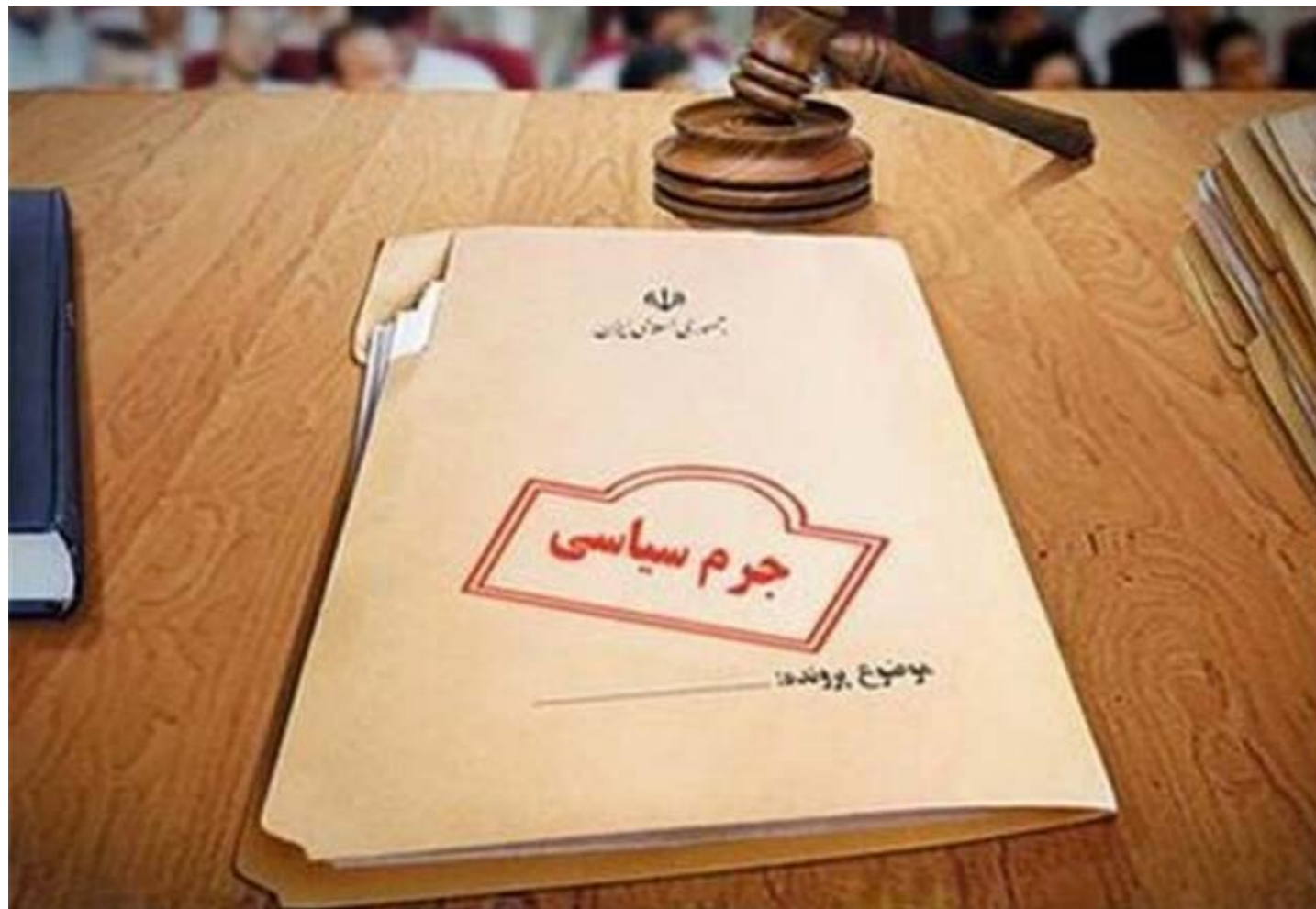
این وکیل دادگستری در ادامه می‌گوید: «همچنین نداشتن زندانی سیاسی که همواره از سوی مقامات مختلف نظام جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته، مغلطه‌ای بزرگ است و خود صدور این بخشنامه، نشان از تناقض

در عمل و گفتار ایشان دارد.»

اما قانون جرم سیاسی چه ویژگی‌هایی دارد و چه امکاناتی را در اختیار متهم قرار می‌دهد؟

محمد مقیمی در پاسخ به این سوال می‌گوید که قانون جرم سیاسی مجموعه‌ای از حقوق و امتیازات را به متهمان و مجرمان سیاسی اعطا می‌کند: «از جمله دسترسی به کتاب و مجله، نپوشیدن لباس زندان، نگهداری در بند جداگانه، وجود هیأت منصفه در دادگاه، محاکمه علنی و ...»

به گفته مقیمی حکومت‌هایی که به اصول دموکراتیک از جمله دادگستری مستقل پای‌بند نیستند، تن به تصویب و اجرای قانون جرم سیاسی نمی‌دهند، اما در ایران، متهمان سیاسی را متهمان امنیتی تلقی می‌کنند: «اساساً در ایران وجود زندانی سیاسی انکار می‌شود و آنان را در دادگاه‌های انقلاب محاکمه می‌کنند و اصول دادرسی



همه این‌ها البته در شرایطی است که خود دادگاه یا مرجع قضایی در ابتدا باید صالح باشد و از حداقل استانداردهای معرفی شده، برای یک «دادرسی منصفانه»، برخوردار باشد.

واقعیت این است که عمده حقوق یا تدابیر حمایتی که در رژیم‌های کیفری متفاوت، برای «متهمان سیاسی» در نظر گرفته شده است، مرتبط با چگونگی رسیدگی دادگاه‌ها یا مرحله موسوم به «تحقیقات مقدماتی» است. برای مثال، به منظور سنجش یک رژیم حقوقی-کیفری، می‌تواند پرسش‌هایی از این دست را درباره چگونگی رسیدگی به پرونده‌های سیاسی مطرح کرد: کدام مرجع قضایی مسئول رسیدگی به پرونده‌ها است؟ آیا هیئت منصفه حضور دارد؟ آیا دادگاه‌ها علنی برگزار می‌شود؟ آیا رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران مستقل در جریان رسیدگی در دادگاه‌ها حضور دارند؟ چه تعداد قاضی یا دادرس مسئول رسیدگی به پرونده است؟ آیا متهمان آزادانه به وکلای انتخابی خود دسترسی دارند؟ روند تجدیدنظرخواهی از احکام چگونه است و مرجع تجدیدنظر کجا است؟

طبق قانون جرم سیاسی در ایران، هرگونه تلاش برای پیشبرد تغییرات رادیکال و ساختاری، می‌تواند «جرم امنیتی» قلمداد شود، نه سیاسی

پنج نکته درباره جرایم و اتهام‌های سیاسی در ایران



بهنام دارابی‌زاده

زیادی گذشته است.

در تمامی این سال‌ها، در واقع از همان هنگامی که نیروها و رسانه‌های به اصطلاح «اصلاح‌طلب» وعده «تعریف جرم سیاسی» را دادند، قرار بوده است که «جرم سیاسی» در نظام قضایی جمهوری اسلامی تعریف شود.

تعریف «جرم سیاسی»، به لحاظ حقوقی، اهمیت زیادی دارد. چرا که فرض بر این است که «متهم سیاسی»، به اعتبار ماهیت فعالیت‌ها یا جرایمی که به آن‌ها متهم شده است، لازم است که از مجموعه‌ای از حقوق و امتیازهای ویژه‌ای برخوردار باشد.

این حقوق یا تدابیر حمایتی، الزاما مختص دوران «رسیدگی قضایی» در دادگاه‌ها نیست. به این معنا که حتی پس از صدور حکم، یعنی در زمانی که رسیدگی دادگاه تمام شده است و فرد برای گذراندن دوران محکومیت خود فرضا به زندان معرفی شده است و... باز لازم است که از مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های ویژه، در مقایسه با سایر زندانیان، برخوردار باشد. برای مثال، محل نگهداری زندانیان سیاسی باید از مجرمان عادی در زندان جدا باشد. یا متهمان سیاسی الزامی به پوشیدن لباس‌های مخصوص زندان ندارند.

ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی، خردادماه ۱۳۹۹، در نهایت بخش‌نامه مرتبط با چگونگی رسیدگی به جرایم سیاسی را ابلاغ کرد. این بخش‌نامه، ناظر به قانون موسوم به «جرم سیاسی» است که در اردیبهشت‌ماه ۹۵ در مجلس نهم تصویب شد.

در این یادداشت، ضمن پرداختن به مفاد این بخش‌نامه، و قانونی که تصویب شده است، سعی می‌شود به کاستی‌های حقوقی اساسی در رسیدگی به پرونده‌های سیاسی، در نظام قضایی جمهوری اسلامی، اشاره شود.

یکم)

طرح موسوم به «جرم سیاسی» در اردیبهشت سال ۱۳۹۳ در دستور کار کمیسیون قضایی مجلس قرار گرفت. کلیات طرح مزبور، در دی‌ماه ۹۴ تصویب شد و نهایتاً در اردیبهشت‌ماه سال ۹۵ هم در صحن علنی مجلس و شورای نگهبان تصویب شد.

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید از هنگام ارائه این طرح، تا هنگامی که ابراهیم رئیسی در خردادماه گذشته بخش‌نامه اجرایی آن را به دادرها و دادگاه‌ها ابلاغ کرد، مدت زمان

دوم)

پنهان نمی‌توان کرد که در تمامی این سال‌ها، تقریباً تمامی متهمان سیاسی در ایران، قطع‌نظر از فعالیت یا وابستگی‌های سازمانی و گروهی، در «دادگاه‌های انقلاب» تهران و سایر شهرستان‌ها محاکمه و محکوم شده‌اند. البته در این میان استثناهایی نیز وجود داشته است. استثناهایی که به طور مشخص مربوط به پرونده‌های قضایی روحانیون است.

با این توضیح که به اتهام‌های سیاسی «روحانیون»، حتی اتهام‌های عقیدتی یا مطبوعاتی آن‌ها، در دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت رسیدگی می‌شود. این دادگاه‌ها نه تنها از سازوکار عمومی دادگستری در ایران مستقل هستند، بلکه تشکیلات و نهادهایی جدا از «دادگاه‌های انقلاب» به شمار می‌روند.

به هر روی، به باور بسیاری از کارشناسان مستقل حقوقی، مراجع قضایی مزبور، اعم از دادسراها و دادگاه‌های انقلاب یا دادگاه‌های ویژه روحانیت، «غیرقانونی» هستند. به این معنا که حتی برابر موازین و اصول نظام حقوقی ایران، از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی، این دادگاه‌ها فاقد وجاهت حقوقی قلمداد می‌شوند.

از سوی دیگر، واقعیت این است که در این مراجع قضایی، حتی ابتدایی‌ترین اصول و موازین یک دادرسی منصفانه، از جمله حق دسترسی آزادانه به وکیل انتخابی نیز رعایت نمی‌شود. برای مثال، در دادگاه ویژه روحانیت، وکیلی که روحانی نباشد، از جمله وکلای زن، نمی‌توانند حضور داشته باشند. بنابراین متهم موظف است که وکیل خود را از میان وکلایی که اصطلاحاً «روحانی» قلمداد می‌شوند انتخاب و معرفی کند.

سوم)

برابر بند دو از بخش‌نامه‌ای که ابراهیم رئیسی در هفدهم خرداد ۱۳۹۹ به مراجع قضایی ابلاغ کرده است، تشخیص «سیاسی» بودن یا نبودن یک اتهام، «با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است.»

به این معنا، این خود بازپرس یا قاضی پرونده است که باید تصمیم بگیرد اتهامی که در پرونده مطرح است، «سیاسی» است یا باید «امنیتی» قلمداد شود. در این جا لازم است به این نکته پیشینی اشاره شود که در تمامی این سال‌ها، متهمان سیاسی در «دادسراها و دادگاه‌های



انقلاب» همواره ذیل عنوان متهمان «امنیتی» در دادگاه‌ها محاکمه شده‌اند.

به همین خاطر است که مقام‌های مختلف سیاسی-قضایی در جمهوری اسلامی، حتی مسئولان وزارت خارجه، بارها در موضع‌گیری‌ها یا در برابر خبرنگاران خارجی تکرار کرده‌اند که «ما در ایران زندانی سیاسی نداریم.» یا گفته‌اند کسانی که در ایران محاکمه و محکوم شده‌اند، به اتهام‌های مختلف «امنیتی»، از قبیل «اقدام علیه امنیت کشور»، «جاسوسی»، «محرابه»، «فساد فی‌الارض»، «تشویش اذهان عمومی» یا «اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت داخلی و خارجی» دستگیر شده‌اند و اتهام‌ها آن‌ها سیاسی یا عقیدتی نبوده است.

چهارم)

بر اساس بخش‌نامه رئیسی، «ماهیت جرم»، «انگیزه» و «قصد متهم»، به عنوان معیارهای اصلی برای تشخیص جرایم سیاسی از جرایم عادی معرفی شده است.

با این حال، از آن جایی که به مرجع قضایی، اختیار کامل داده شده است تا خودش، به صلاح‌دید خودش این معیارها را تفسیر کند و به کار بندد، این پرسش مطرح می‌شود که به اتکا یا به استناد کدام تجربه عینی باید نظر

برای تفسیر و... باقی نمی‌گذارد. برابر ماده اول قانون جرم سیاسی، اگر متهمی قصد ضربه زدن به «اصل نظام» را داشته باشد، دیگر اتهام او «سیاسی» نخواهد بود! به این معنا که متهم تنها هنگامی می‌تواند به عنوان متهم سیاسی شناخته شود که فعالیتی در جهت براندازی نظام نداشته باشد. در این ماده به صراحت قید شده که تنها فعالیت‌های اصلاح‌طلبانه است که می‌تواند مشمول اتهام‌ها سیاسی قرار گیرند.

به سخنی دیگر، در نگاه مقام‌های قضایی جمهوری اسلامی، هرگونه تلاش برای پیشبرد تغییرات رادیکال و ساختاری، می‌تواند به عنوان یک «جرم امنیتی» قلمداد شود. بنابراین، مرتکب چنین جرایمی هم قرار نیست از حمایت‌های قانونی معرفی شده در قانون «جرم سیاسی» برخوردار باشد.

برهمن مبنا است که در ماده سه قانون جرم سیاسی، به روشنی اشاره می‌شود که جرایم مستوجب «حد» از قبیل محاربه، و نیز «تحریک مردم به تجزیه‌طلبی و درگیری»، اساساً در زمره جرایم سیاسی قرار نمی‌گیرند. بل که جرایم «امنیتی» هستند که بایستی در «دادگاه‌های انقلاب»، بدون حضور هیئت‌های منصفه یا سایر حمایت‌های قانونی، به آن‌ها رسیدگی شود.

واقعیت این است که چنین قانون‌گذاری‌هایی، نه تنها در رژیم‌های حقوقی کشورهای دموکراتیک و توسعه‌یافته، بل که حتی با در نظر گرفتن عرف‌ها و استانداردهای حاکم در منطقه هم کم‌مانند است یا دشوار بتوان نمونه مشابهی از آن یافت.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، از جمله تشکیلات غیرقانونی دادگاه‌های انقلاب، همواره بخشی از سازوکار سرکوب بوده است. سازوکاری نظام‌مند به منظور به انقیاد کشاندن فعالان سیاسی، کنشگران جامعه مدنی، روزنامه‌نگاران و فعالان کارگری و... در چنین چهارچوبی، تعریف جرم سیاسی، یا ابلاغ بخش‌نامه‌های مختلف، قرار نیست که تغییری در این وضعیت حاکم ایجاد کند. بر این مبنا، می‌توان پیش‌بینی کرد که به رغم صدور چنین بخش‌نامه‌هایی، کماکان فعالان مدنی-سیاسی یا فعالان کارگری و... زیر عنوان «متهمان امنیتی»، در دادگاه‌های انقلاب، محاکمه و به حبس‌های طولانی‌مدت محکوم خواهند شد.

حقوقی چنین مراجعی را پذیرفت؟

برای مثال، پرونده‌ای را تصور کنید که برای بررسی در اختیار شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، به ریاست قاضی صلواتی، قرار گرفته است. در چارچوبی که معرفی کرده‌اند، این تنها خود قاضی صلواتی است که می‌تواند بگوید اتهام «سیاسی» است، و در نتیجه صلاحیت رسیدگی ندارد، یا بگوید که اتهام مطرح شده «امنیتی» است و می‌خواهد که به پرونده رسیدگی کند.

تشخیص صلاحیت قضایی، همواره بر عهده خود دادگاه‌ها است. با این حال، باید تکرار کرد که تجربه‌های عینی همه این سال‌ها و عمل‌کرد آشکار برخی از شعب دادگاه انقلاب، از جمله شعبه ۱۵، نشان داده است که ملاحظات سیاسی یا خواست مقام‌های امنیتی تا چه اندازه می‌تواند سرنوشت یک پرونده و فعال سیاسی را رقم بزند. بنابراین برای نظر حقوقی چنین مراجع قضایی، یا بی‌طرفی آن‌ها اساساً نمی‌توان اعتباری قائل بود.

پنجم)

علاوه بر معیارهایی که در بخش‌نامه اخیر ابراهیم رئیسی به آن‌ها اشاره شده است، در خود قانون موسوم به «جرم سیاسی»، نیز یک معیار روشن آورده شده که جایی دیگر



بی‌راهه قانون جرم سیاسی در ایران



سپهلا رحیمی
وکیل دادگستری

اغلب نظام‌های حقوقی از یک جرم علیه مصالح کشور به یک جرم قابل ارفاق تبدیل گشت و به مرتکبین آن به چشم آزادیخواهانی نگریسته شد که به خاطر مردم زمانه خود ایثار کرده‌اند.

مفهوم جرم سیاسی در قوانین ایران

جرم سیاسی به جرمی اطلاق می‌شود که علیه رژیم سیاسی حاکم و با انگیزه‌ی اصلاح امور اجتماع صورت می‌گیرد.^۱ جرم سیاسی مفهومی دیرپا در نظام حقوقی ایران است و از زمان انقلاب مشروطه مورد توجه قرار داشت. پیش از انقلاب سال ۵۷ در قانون محاکمه وزرا^۲ مصوب ۱۳۰۷ آمده بود که در موارد تقصیرات سیاسی هیات منصفه حضور خواهد داشت. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴^۳ در باب اول بین جرایم عادی و جرایم سیاسی قائل به تفکیک شده بود. پس از انقلاب، اصل ۱۶۸ قانون اساسی^۴ بدون ارائه تعریفی

1. <https://legal-dictionary.thefreedictionary.com/Political+Crime>
2. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91399>
3. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91023>
4. https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution

نیل به آزادی‌های مدنی و حقوق اساسی یکی از بزرگترین اهداف انسان‌ها در جوامع انسانی است. دستیابی به این حقوق هیچگاه آسان و به یکباره نبوده و مرهون تلاش و مبارزات طولانی زنان و مردانی است که گاه در این مسیر جان و مال و آزادی‌شان را از دست داده‌اند؛ چرا که دستیابی به این حقوق و آزادی‌ها در گرو مبارزه و مخالفت با رژیم‌های مستبدی‌ست که اغلب با تمام قدرت از اهداف و مواضع خود دفاع می‌کنند و به راحتی سرسازش و مدارا با معترضین ندارند. یکی از راه‌های سرکوب معترضان و تحول‌خواهان در جوامع استبدادی، استفاده از امکانات و ابزارهای موجود در قوانین موضوعه است. هیأت حاکمه معمولاً سعی می‌کند تا از طریق وضع و تفسیر قانون به نفع خود به صورت ظاهراً قانونی و بدون از دست دادن وجهه بین‌المللی، با کمترین هزینه از سد مخالفان عبور کند.

اما با گذشت زمان نگرش حقوقدانان نسبت به مجرمین سیاسی و مفهوم جرم سیاسی مانند هر پدیده اجتماعی دیگری دستخوش تغییرات فراوان شد؛ به طوری که در

در ارائه تعریفی جامع و مانع از جرم سیاسی به مسیر خطا رفته است.

الزامات قانونی در رسیدگی به جرایم سیاسی

فلسفه تمایز جرم سیاسی از جرایم عادی در بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا از جمله فرانسه، بلژیک و آمریکا آن است که مجرمین سیاسی اغلب افرادی هستند که با انگیزه‌های شرافتمندانه و با هدف اصلاح امور مملکت دست به انجام اقداماتی می‌زنند اما از آنجا که باعث به خطر افتادن نظام سیاسی حاکم بر کشور شده‌اند، از نظر قانون آن کشور مجرم تلقی می‌گردند.

قانون اساسی ایران به عنوان مهمترین سند حقوقی در اصل ۱۶۸ مقرر می‌دارد: رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

اما این اصل قانون اساسی به مدت چهل سال مغفول ماند و

از جرم سیاسی رسیدگی به جرم سیاسی را منوط به حضور هیئت منصفه دانست. تعریف جرم سیاسی با تقریباً چهل سال تاخیر در سال ۱۳۹۵ در قانونی تحت عنوان قانون جرم سیاسی^۱ ارائه شد.

در ماده یک این قانون مقرر شده است: «هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود.»

قانون مذکور اگرچه در پی دست یافتن به تعریف جرم سیاسی است اما مثابه نقیض خود عمل کرده است. چرا اساساً کسانی را که به انگیزه اصلاح امور و بدون قصد براندازی حکومت فعالیت می‌کنند، باید «مجرم» دانست؟

در ماده دو به مصادیق جرم سیاسی ارجاع داده شده است؛ مواردی که تمامی آنان پیشتر در قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده بود. بنابراین قانون جرم سیاسی حاضر نیز

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/968421>

هیچ یک از محاکمات متهمین سیاسی پس از انقلاب مطابق این اصل رسیدگی نشد. فعالان سیاسی پس از دستگیری به اتهام‌هایی چون محاربه، بغی^۱، اخلال در امنیت کشور و تبلیغ علیه نظام برای محاکمه به دادگاه انقلاب سپرده شدند. وکلای آنان مطابق قوانینی چون ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری^۲ وکلای مستقل نبودند و هیئت منصفه^۳ به عنوان نمایندگان افکار عمومی در روند رسیدگی نقشی نداشت. حتی پس از تصویب قانون جرم سیاسی در بر همان پاشنه قدیم می‌چرخد.

بر اساس این قانون ارفاق‌هایی از قبیل مجزا بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس، ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان، ممنوعیت اجرای مقررات ناظر به تکرار جرم، غیر قابل استرداد بودن مجرمان سیاسی، ممنوعیت بازداشت و حبس به صورت انفرادی، حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول، حق دسترسی به کتب، نشریات، رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس برای مجرمین سیاسی شناسایی شده است. اما با توجه به نحوه تصویب قانون جرم سیاسی که و اینکه این قضاات هستند که تصمیم می‌گیرند چه کسی مجرم سیاسی است. عملاً تعداد انگشت‌شماری از مجرمین سیاسی با حضور هیئت منصفه و در دادگاه‌های عمومی محاکمه شده‌اند.

قانون جرم سیاسی در بوته اجرا

تا پیش از تصویب قانون جرم سیاسی مسئولان جمهوری اسلامی در پاسخ افکار عمومی و نهادهای حقوق بشری بین المللی در مورد وضعیت مجرمین سیاسی در ایران عنوان می‌کردند که ما در ایران مجرم سیاسی نداریم و زندانیان موجود مجرمین امنیتی هستند.

نتایج مترتب بر چنین انگاره‌ای برخورد خشن و محرومیت مجرمین سیاسی از برخورداری از رسیدگی در دادگاه‌های عادی و به صورت علنی با حضور هیئت منصفه و غیره بود. سرانجام در سال ۱۳۹۵ قانون جرم سیاسی تصویب شد. در ماده ۲ این قانون جرم سیاسی بصورت احصایی برشمرده می‌شود؛ در نتیجه طیف گسترده‌ای از جرایم سیاسی مانند

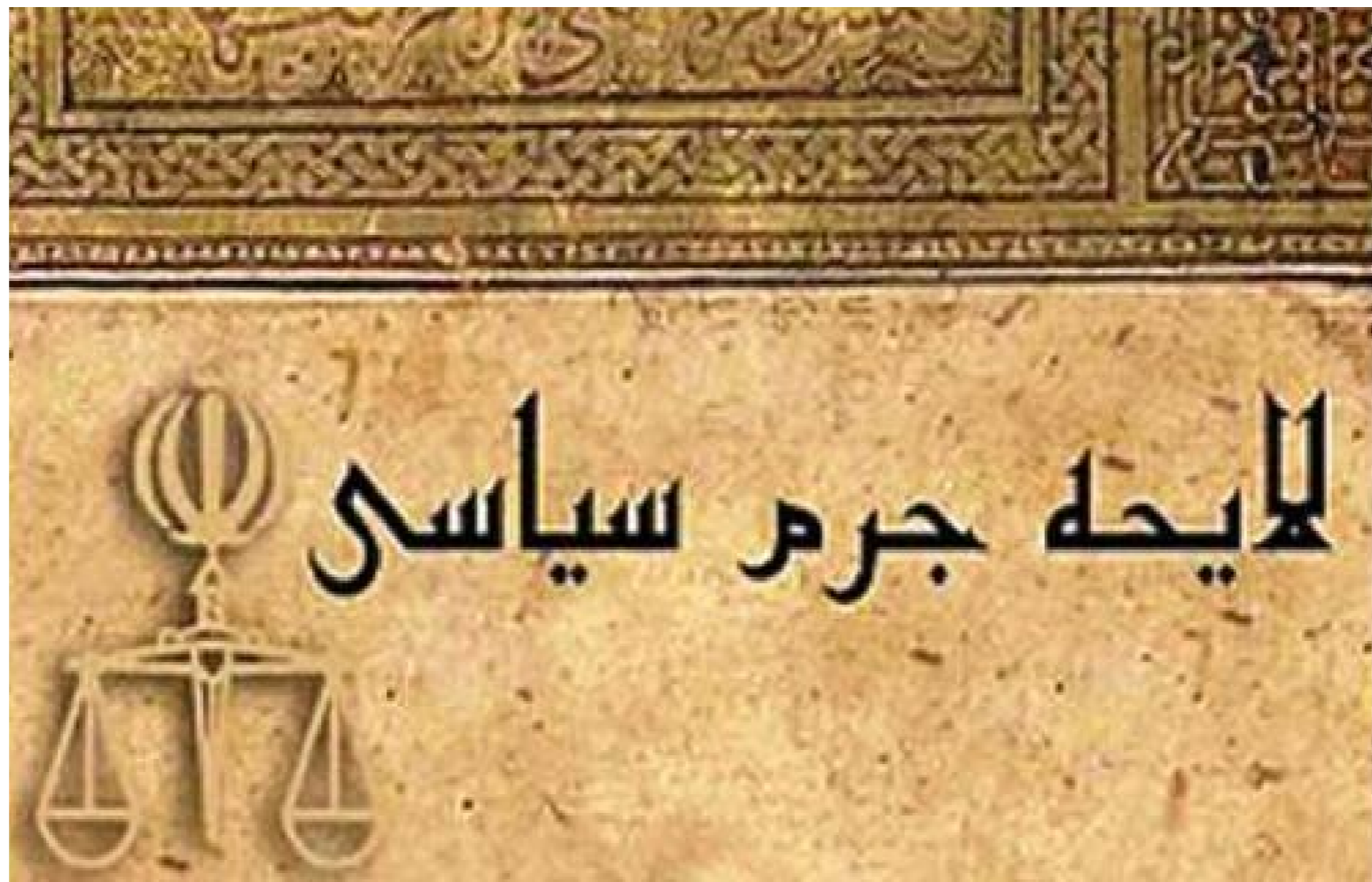
1. <http://fa.wikishia.net/view/%D%8A%8D%8BA%DB%8C>
2. <http://dotic.ir/news/5584/%D82%9-%D%8A%7D%86%9D%88%9D86%9-%D%8A%2D8%9A%D8%9A%D86%9-%D%8AF%D%8A%7D%8AF%D%8B%1D%8B%3D8%9A-%D%83%9D8%9A%D%81%9D%8B%1D8%9A>
3. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94008>

فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به رهبری و مقدسات و اقدام به براندازی نظام اسلامی که مهمترین و گسترده‌ترین طیف اتهامات وارده بر فعالین سیاسی است، از دایره شمول تعریف جرم سیاسی خارج شد.

بنابراین این قانون نه تنها در عمل نمی‌توانست نتایج ملموس و قابل توجهی داشته باشد؛ بلکه باعث توجیه خشونت حکومت با متهمین سیاسی شده است. قضاات به لحاظ تفکر امنیتی موجود، به تفسیر قانون به ضرر متهمین روی آورده و همواره بر آن بوده‌اند که در همکاری با نهادهای امنیتی سخت‌ترین برخورد را با مرتکبین جرایم سیاسی داشته باشند. نمونه‌ی اخیر آن که واکنش گسترده مردم و فعالین مدنی بالاخص در فضای مجازی را برانگیخت. محکومیت سه تن از معترضان آبان ۹۸ به اعدام بود.^۴

سه جوان به نام‌های امیر حسین مرادی، محمد رجبی و سعید تمجیدی که در اعتراضات آبان ۹۸ دستگیر شدند، در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی به اتهام‌هایی از جمله "مشارکت در تخریب و تحریق به قصد

4. <https://www.bbc.com/persian/iran-53412138>



مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران" و "محاربه" به اعدام محکوم شده بودند. آنها همچنین در این دادگاه به "سرقت مسلحانه مقرون به آزار در شب" به تحمل زندان و شلاق محکوم شدند.^۱

احکام صادره برای این افراد تنها گوشه‌ای از صدور مجازات‌های غیر عادلانه برای مرتکبین جرایم سیاسی در چهل سال بعد از انقلاب است. در تمام این دوران سپاه هرگاه شهروندان از هر قشر و طبقه به نحوه اداره کشور و فساد، نابرابری، بی‌عدالتی و فقر اعتراض کرده‌اند. سیستم قضایی و قانون به مثابه شمشیری برنده در ید حکومتی سفاک عمل کرده است؛ در حالی که انتظار می‌رفت در سایه این قانون طیف گسترده‌ای از مجرمین سیاسی بتوانند از ارفاق‌های قانونی برخوردار شوند. قانون جرم سیاسی علی‌رغم تصویب به بوته فراموشی سپرده شد و این آش چنان شور شد که ابراهیم رئیسی، ریاست جدید قوه قضاییه، خرداد ماه بخشنامه‌ای به نام «لزوم اجرای عدالت و رسیدگی منصفانه به اتهامات مرتکبان جرایم سیاسی»^۲ را

1. <https://www.bbc.com/persian/53400046>
2. <https://www.mizanonline.com/fa/news/625928/>

ابلاغ کرد. ابلاغ این بخشنامه بدان معنی است که پیش از این عدالتی در رسیدگی به جرایم این متهمان وجود نداشته است؛ مانند بیدادی که در حق مصطفی صالحی^۳ و محمد ثلاث^۴ و هزاران تن دیگر روا شد.

تاثیر بخشنامه بر عملکرد قوه قضاییه

پرسش اینجاست که آیا ابلاغ بخشنامه جدید رئیس قوه قضاییه تحت عنوان "لزوم اجرای عدالت و رسیدگی منصفانه به اتهامات مرتکبان جرایم سیاسی" می‌تواند تغییری در روند رسیدگی به جرایم سیاسی داشته باشد؟

در ابتدا باید دید که بخشنامه‌های ابلاغی از جانب رئیس قوه چه اثراتی می‌توانند داشته باشند و تا چه حد ممکن است منشاء حق و تکلیف برای مرتکبین جرایم سیاسی باشد. بخشنامه عبارت است از تعلیم یا تعلیمات کلی و یکنواخت که از طرف مقام اداری به مرئوسین برای نحوه تطبیق قانون یا آئین‌نامه داده می‌شود و نباید مخالف قانون یا آئین‌نامه باشد. بنابراین بخش‌نامه نمی‌تواند ایجاد کننده حق و تکلیف جدیدی باشد. ابلاغ یک بخشنامه نشانگر نقص و ناکارآمدی در روند اجرای یک قانون است که انتظار می‌رود با ابلاغ بخشنامه اصلاح گردد^۵. اما این چشم‌داشت از بخشنامه جدید رئیس قوه به چندین دلیل بیهوده است. چرا که اساساً خود قانون جرم سیاسی دارای مشکلات اساسی در زمینه جرم انگاری دامنه وسیعی از فعالیت‌های سیاسی و ناقض حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان است.

همچنین، به موجب ماده ۵ قانون جرم سیاسی تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادگاه یا دادرسی است که پرونده در آن مطرح است. از آنجایی که شمار قضاات مستقل در ایران بسیار اندک است و قضاات دادگاهها معمولاً بازچیه دست نهادهای امنیتی هستند^۶ این ماموران اطلاعاتی‌اند که در مورد سیاسی بودن یا نبودن یک جرم تصمیم می‌گیرند.

با در نظر گرفتن جمیع این جهات می‌توان نتیجه گرفت که صرف تصویب یک بخشنامه برای قانونی که دارای اشکالات اساسی است، در یک سیستم قضایی فاسد و وابسته به ارباب قدرت نمی‌تواند تضمین‌کننده حقوق متهمین بوده و در مسیر تحقق عدالت قضایی برای آنان راهگشا باشد.

3. <https://www.bbc.com/persian/iran-53660716>
4. <https://www.bbc.com/persian/iran-44517462>
5. <https://www.isna.ir/news/99031810304/>
6. <https://zanan.bashariyat.org/?p=16090>

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
 دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
 ایران/ محمود امیری مقدم
 سردبیر این شماره: مریم غفوری
 تماس با مجله: mail@iranhr.net

